**مطلب سیزدهم \_ در غفلت عباد**

قوله تعالی : هو الله تعالی شانه الحکمة و البیان بشنو بشنو قلم اعلی از اعلی مقام عالم ندا میفرماید ببین ببین نیر برهان از اعلی افق امکان مشرق و لائح تا قوت بخشد و قوادم روحانی عطا نماید تا در هوای محبت دوست یکتا طیران نمائی و متوقفین را یعنی نفوسیکه پرهاشان بطین اوهام آلوده است باسم حق طاهر نمائی و پرواز بیاموزی \_ )یابن اسمی علیک بهائی و عنایتی این ایام حضرت کلیم صعود نمود و عبد حاضر در بستر خوابیده و لسان عظمت بآیات ناطق و از ید بیده ملکوت کلشئ عطا میفرماید و اخذ میکند ) یابن اسمی اگر عالم روح بتمامه بقوه سامعه تبدیل شود میتوان گفت لایق این بیانست که از قلم رحمن جاری گشته و الا اذان مشهوده قابل این نبوده و نخواهد بود الا عده معدودات .... اهل ارض غافلند امر الله را بمثابهٴ سایر امور دانسته و میدانند تبا لهم و سحقا لهم زود است مشاهده نمایند آنچه را که حال منکرند و اقبال نمایند آنچه را که از او معرضند بگو ای بیدانشها بزوراء توجه نمائید تا قصر ملک الملوک را مشاهده کنید شاید پند گیرید و فی الجمله متنبه شوید .... این مظلوم آنچه گفته لوجه الله بوده بر خود رحم کنید و بر ما فات قیام نمائید دی رفت امروزهم میرود این نا پایدار پیک الهی است کل را آگاه مینماید و خبر میدهد شاید بتدارک تمام قصد مقصد و مقام نمایند .